

قفل و کلید در فرهنگ مردم ایران؛ با تأکید بر منطقه چالستر

دکتر اصغر عسگری خانقاه^۱

سیمین ریاحی دهکردی^۲

چکیده

قفل و قفل‌سازی، همواره اهمیت ویژه‌ای در مقوله حفاظت و امنیت داشته و در طول تاریخ مورد توجه صنعتگران بوده است. این صنعت کهن، از لحاظ فناوری ساخت، زیبایی‌های بصری و تأثیر بر باورها و فرهنگ مردم، جای بررسی و پژوهش بسیار دارد. با توجه به اهمیت قفل چالستر به عنوان یک صنعت دست‌ساز و سنتی که هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد، این مقاله به بررسی ویژگی‌های قفل این منطقه، از نظر فناوری ساخت، ابزار و وسایل مورد استفاده و جایگاه آن در باور مردم پرداخته است. پرداختن جذاب و مناسب به صنعت قفل و کلید در رسانه، مخاطب را با موضوعی آشنا اما

۱. دکترای انسان‌شناسی زیستی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

۲. کارشناسی ارشد مردم‌شناسی از دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز و تهیه‌کننده رادیو riahisimin@yahoo.com

نامتعارف روبه‌رو می‌کند و این ویژگی، زمینه تولید برنامه‌های مختلف بویژه برنامه‌های مستند را با ابعاد گوناگون درباره قفل و کلید فراهم می‌آورد. سیر تحولات قفل و کلید در ایران باستان و کاوش‌های اولیه باستان‌شناسان برای کشف نخستین قفل‌های سنگی و چوبی، بررسی انواع قفل‌ها و نشان دادن مراحل ساخت و ظرایف آنها، انتقال کاربری قفل از حفاظت و امنیت به هنری ظریف، بازتاب قفل و کلید در ادبیات رسمی و جایگاه این پدیده در اعتقادات مذهبی و باورهای عامیانه، از موضوعاتی هستند که گروه‌های مختلف برنامه‌ساز می‌توانند، دستمایه آثار خود قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: قفل، کلید، صنعت چالستر، اشعار قفل، اشعار کلید



مقدمه

انسان از زمانی که مالکیت را به رسمیت شناخت، در پی حفظ اموال خود برآمد و برای حفاظت و امنیت خود به ساخت انواع قفل و کلید اقدام کرد. به تدریج، قفل در عرصه‌های مختلف زندگی حضور مؤثری پیدا کرد و علاوه بر کارکرد اصلی خود، در فرهنگ مردم نیز تأثیرگذار شد. این تأثیر در ادبیات فارسی فراوان است، چنان‌که ابیات و شواهد بسیاری را می‌توان یافت که از این عناصر برای تصویرسازی‌ها و مضمون‌پردازی‌های شاعرانه استفاده کرده‌اند. از سوی دیگر، قفل با باورهای مردمی نیز در هم تنیده شده که نمود آن را در بسیاری از عرصه‌ها، نظیر اماکن زیارتی، می‌توان مشاهده کرد. مقاله حاضر، تلاش دارد ضمن معرفی صنعت قفل‌سازی، وجوه فرهنگی و مردم‌شناختی آن را ارائه کند. از این رو، ضمن بررسی تاریخچه قفل و سیر تحولات آن، به قفل‌سازی در چالشر - یکی از معدود مناطقی که در آن، هنر قفل‌سازی هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد - اشاره می‌شود. پرداختن به تمام مظاهر یک فرهنگ و نمایش آن به غنای فرهنگ عمومی کمک می‌کند. وجود صنایع متعدد در مناطق مختلف کشور و معرفی آنها از رسانه، نشان‌دهنده یک سرمایه عظیم اجتماعی است؛ سرمایه‌ای که تنها با نمایش از رسانه می‌تواند احیا و بازتولید شود.

تاریخچه ساخت قفل و کلید در ایران

«مطابق شواهد موجود، ایرانیان از دیرباز با کار قفل‌سازی آشنایی داشته‌اند و از جمله مللی هستند که در تکوین و تکمیل این رشته سهم عمده‌ای ایفا کرده‌اند، اما در منابع غربی کمتر ذکری از آنها رفته است.» (تناولی، ۱۳۸۶: ۲۶)

سیر تحولات قفل در عهد باستان نشان‌دهنده آن است که اولین قفل دست‌ساز بشر، از جنس چوب بود و استفاده از آن در هزارهٔ دوم پیش از میلاد، در منطقهٔ خاورمیانه رواج داشت اما اگر بخواهیم در ایران، به نحوهٔ پیدایش قفل در زندگی مردم نگاهی بیندازیم، درمی‌یابیم که «با گسترش زندگی و افزایش تولیدات و مبادلات اقتصادی و تجاری، زمانی که کاسبان و حساب‌رسان در کنار انبار غلات و سایر محصولات می‌نشستند، بر الواح گلی خود، مقدار غله‌ای را که جمع‌آوری می‌شد، ثبت می‌کردند و با پیمانه کردن آذوقه، آنها را در درون خمره‌ها و کوزه‌ها می‌ریختند و در آنها را با گل رس مسدود می‌کردند. سپس برای اطمینان از بسته بودن آن تا زمان مورد نظر، مهرهای استوانه‌ای را بر گل رس می‌فشرده‌اند. مهمور کردن انواع کالاها، ظرف‌ها، کوزه‌ها و خمره‌های مایعات، علاوه بر حفظ محتویات، مفهوم امضای صاحب کالا را نیز دربرداشت. قدیمی‌ترین شکل مهر به صورت مخروط، سنگی است که قاعدهٔ آن با خطوط هندسی حکاکی شده است. قدمت این مهرها که از سیلک کاشان به دست آمده‌اند، به هزارهٔ چهارم پیش از میلاد برمی‌گردد. مهرها علاوه بر نام صاحب مهر که ممکن است زرگر، کشاورز، سفالگر و فلزکار باشد، دارای نقوش نمادین و تصاویری از حیوانات افسانه‌ای و الهه‌ها نیز هستند. این نقوش با همین طرز تلقی در قفل‌سازی نیز به کار رفته است.» (کیان، ۱۳۸۴: ۱۱)

قدیمی‌ترین قفل پیدا شده از نوع کلون در ایران از حفاری‌های چغازنبیل شوش به دست آمده که متعلق به قرن سیزدهم پیش از میلاد است. پروفیسور گیرشمن معتقد است این قفل سنگی، دسته یا شب‌بند یک کلون سنگی است که با بست‌های فلزی به درهای چوبی نصب می‌شد. (وولف، ۱۳۷۱: ۶۰)

همچنین، در پیکرهٔ شیر سنگی که از معبد ویل رویال (شهرشاهی) شوش به دست آمده است، سوراخی وجود دارد که از یک سوی پای شیر آغاز شده و تا سوی دیگر پیکره ادامه یافته است. بنا بر نظر برخی کاوشگران، این سوراخ محل عبور چوب یا فلزی بوده که با

قفل و کلید در فرهنگ مردم ایران؛ با تأکید بر منطقه چالستر ❖ ۷۱

شیر دیگری که در سوی دیگر دروازه قرار می‌گرفته، به طور مشترک، کلونی را تشکیل می‌داده‌اند. البته نقش شیر در باورهای ایرانی به عنوان محافظ نیز به کار می‌رفته است. با وجود این شیر سنگی، قدمت قفل‌سازی در ایران به ۱۸۰۰ پیش از میلاد می‌رسد. (ابراهیمی ناغانی، ۱۳۸۷: ۸۷)

«قدیمی‌ترین و تنها قفل ثابتی که از ایران پیش از اسلام به دست آمده، متعلق به دوره ساسانیان یا پیش از آن است و از چند قطعه تشکیل شده است. این قفل، مربوط به یک صندوق چوبی بوده که صندوق آن به کل از میان رفته و تنها برخی قطعات فلزی، از جمله گل‌میخ‌ها و قفل آن باقی مانده است.

اگر چه از فنربندی این قفل که به احتمال، از جنس آهن یا فولاد بوده، چیزی باقی نمانده، وجود یک پولک شبکه‌بندی شده و یک اهرم سرکج که از دستگاه باقی مانده است، سرنخی از



سازوکار آن به دست می‌دهد. به این ترتیب که کلیدی سرکج و چند خاره در شبکه پولک جا می‌گرفته و در اثر چرخاندن، صفحه مدور را که مجهز به خار آهنی بوده، از قید اهرم سرکج رها می‌ساخته و قفل را باز می‌کرده است.

یک کلید برنزی مربوط به

قفل‌های ثابت صندوقی نیز در ایران اول تا سوم میلادی، یعنی اواخر دوران اشکانیان و اوایل دوران ساسانیان (۲۲۴ - ۶۴۳ م) پیدا شده است که شباهت زیادی به کلیدهای رومی و یونانی دارد.

وجود قطعات قفل و کلیدها نشان‌دهنده آن است که ایرانیان اگر نگوئیم زودتر، دست‌کم

همزمان با رومی‌ها، به مراحل پیشرفته‌ای در انواع قفل ثابت رسیده بوده‌اند.»
(تناولی، ۱۳۸۶: ۲۷-۲۶)

در قرن سوّم هجری، در کتاب «البلدان»، فقیه همدانی، استادی و مهارت هنرمندان فلزکار ایرانی را ستوده است. وی بر این باور است که خداوند آهن را برای این هنرمندان نرم کرد و در اختیار آنان قرار داد تا از نغایس روزگار هر چه خواستند از آن بسازند. ابن فقیه معتقد است ایرانیان استادترین و داناترین ملّتی هستند که در ساختن شمشیر، خود، زره، جوشن، قفل، آیینه، ظروف و سایر اشیای فلزی مهارت دارند. (احسانی، ۱۳۸۶: ۱۴۳)

مهارت هنرمندان ایرانی در استفاده از فلزات، بویژه ساخت قفل و کلید، توجه پژوهشگران خارجی را به خود جلب کرده است. وولف در کتاب «صنایع دستی کهن ایران»، قفل‌های ایران را از دیدگاه فنی، به دو بخش قفل‌های ثابت در (کلیدون خانه) و قفل آهن تقسیم کرده است. «قفل‌های ثابت در، شامل کلون‌دان (قفل رومی)، کلون و قفل فنر پخش‌شو هستند و قفل‌های آهن که در واقع از قفل‌های متحرک به شمار می‌روند، قفل فنر (با کلید پیچی)، قفل فنری (با کلید فشاری)، قفل لوله (با کلید پیچی) و قفل رمز (حرفی بی‌کلید) را شامل می‌شوند.» (وولف، ۱۳۷۲: ۵۹-۵۸)

تنها قفل ثابتی که استفاده از آن در همه جا و بین همه مردم ایران رواج داشت؛ «قفل کلون» یا «کلون قفل» بود که از چوب ساخته می‌شد. این قفل را تنها بر در ورودی خانه‌ها کار می‌گذاشتند. براساس مشاهدات پژوهشگر، انواعی از قفل‌های کلون‌دار هنوز هم در برخی از روستاهای استان چهارمحال و بختیاری، اصفهان و یزد وجود دارد اما مورد استفاده قرار نمی‌گیرد زیرا در کنار آن در که به طور معمول، به ساختمانی بسیار قدیمی تعلق دارد، دری آهنی با قفل جدید نصب شده است.

قفل متحرک از دیگر انواع قفل است که به جایی وصل نمی‌شود و عمل قفل کردن در آن به کمک چفت و کمانه صورت می‌گیرد. این گونه قفل‌ها به دلیل آویزان شدن به در، قفل‌آویز و به دلیل جنس آهنی آنها، قفل آهن نیز نامیده می‌شوند.

قفل و کلید در فرهنگ مردم ایران؛ با تأکید بر منطقه چالستر ❖ ۷۳

«قفل آویز اختراع متأخر بشر است و دست کم دو هزار سال پس از قفل ثابت ساخته شده است. بنا بر شواهد موجود، ایرانیان بیشترین هم خود را صرف ساختن قفل آویز کرده‌اند و در این زمینه غنی‌ترین قفل‌ها را فراهم آورده‌اند.» (تناولی، ۱۳۸۶: ۲۸)

قفل متحرک یا آویز بر درهای داخلی خانه زده می‌شد. ساختمان این درها دو لنگه بود و بر بالای آن چفت و زنجیری قرار داشت و قفل بر آن نصب می‌شد. بر در ورودی خانه‌ها نیز چفت و زنجیری قرار داشت و به قفل آویز زده می‌شد، این درها نیز دو لنگه بود. دو لنگه یا جفت بودن در، براساس این اعتقاد ایرانیان بود که همه چیز را جفت و قرینه می‌ساختند و از تک‌معنایی تا حد ممکن دوری می‌جستند.

در یک طبقه‌بندی کلی، انواع قفل آهنی را می‌توان در گروه‌های زیر قرار داد:

- **قفل فنری با کلید پیچی:** «این نوع قفل بسیار عمومیت دارد. زبانه را داخل بدنه قفل یا لوله قرار می‌دهند و قلابی را به چاک حلقه درگیر می‌کنند. فنری، زبانه قفل را محکم به چاک حلقه می‌چسباند و به این ترتیب، آن را قفل نگه می‌دارد، زبانه قفل دارای لوله کوچکی است که از داخل، دنده‌دار است (پیچ ماده)، این پیچ، با لحیم کردن سیم فولادی به شکل مارپیچ، در داخل لوله درست شده است. مرکز این لوله، دارای میله یا مفتول است و بر روی ساقه گرد کلید، پیچ نر قرار گرفته که آن هم روی سیم لحیم می‌شود و درست به پیچ ماده زبانه می‌خورد. لوله ساقه کلید از لحاظ طول و قطر باید به میله مفتول بخورد. برای باز کردن قفل، کلید را تا شانه‌های آن می‌پیچانند. با یک نیم‌پیچ دیگر، زبانه قفل به سوی کلید کشیده می‌شود و به این ترتیب، حلقه را باز می‌کنند. چنانچه قطر کلید، گام پیچ، تعداد پیچ ماده، طول و قطر مفتول را تغییر دهیم، نوع قفل عوض می‌شود و با این وسعت میدان در تنوع قفل فنری متوجه می‌شویم که چرا ایرانیان ترجیح داده‌اند این قفل‌ها را تا امروز حفظ کنند. همین نوع قفل در قرون وسطی، در انگلستان فرانسه و آلمان نیز دیده می‌شد و تا سال ۱۸۷۵ در این کشورها رواج داشت.» (وولف، ۱۳۷۲: ۶۲)

- **قفل فنری با کلید فشاری:** قفل فنری، از دو قسمت تشکیل شده است؛ یکی تنه قفل و دیگری زبانه آن که مجموعه‌ای از دو فنر است. برای قفل کردن، هر دو قسمت فنر به هم فشار داده می‌شوند تا به موقعیت نهایی برسند؛ در این هنگام، فنرها بازمی‌گردند و قفل بدون کلید بسته می‌شود. برای باز کردن این قفل، کلیدی مورد نیاز است که دو دندان‌ه داشته باشد. این دندان‌ها فنر را می‌گیرند و وقتی که کلید به داخل قفل فشار داده می‌شود آنها را روی یکدیگر جمع می‌کنند، آنگاه می‌توان قفل را با دست باز کرد. با تغییر فاصله فنر، اطمینان بیشتری به دست می‌آید.

وولف، اختراع این نوع قفل‌ها را از چین و هند می‌داند و معتقد است که قفل فنری از این نقاط به کشورهای متمدن سرایت کرده است. به عبارتی، از خاورمیانه، به روم و از سوی دیگر، به هند یا چین رفته است. از این نوع قفل‌ها در خارج از ایران از برمه گرفته تا نورنبرگ آلمان دیده شده است. قفل نورنبرگ در مجموعه‌ای از قفل‌های قرون وسطای آلمان نگهداری می‌شود. (همان)

- **قفل لوله‌ای با کلید پیچی:** مشخصه اصلی این قفل، استوانه کوچک آن است که در داخل لوله قرار گرفته است. تکه درونی، در قسمت جلو، دنده‌ای دارد که به حلقه قفل می‌خورد و وقتی که خوب پیچ می‌شود، آن را قفل می‌کند. کلید آن نیز در انتها دارای دنده‌ای است که باید به جلوی لوله بخورد.

پس از اینکه از این سوی آن را پیچ کردند، کلید را به جلو فشار می‌دهند. شیاری که روی کلید است به راه کلید بدنه قفل می‌خورد و وقتی کلید چرخیده می‌شود، قسمت قفل‌کننده، برای اینکه بتواند حلقه را آزاد کند، باز می‌شود. با تغییر دنده‌های کلید از لحاظ گام، قطر و جهت حرکت و همچنین با تغییر اندازه راه کلید و شیاری روی کلید و بدنه قفل، می‌توان انواع و اقسام این قفل‌ها را به دست آورد. تکه قفل‌کننده، همیشه در داخل لوله باقی می‌ماند. قفل‌های لوله‌ای در هند و اروپای مرکزی ساخته شده‌اند. (همان)

- **قفل حروفی یا رمزی:** قفل‌های رمزی به لحاظ ویژگی خاص خود، از سایر قفل‌ها متمایزند. این قفل‌ها هم از لحاظ ساختمان بدنه و هم از لحاظ دستگاه، با قفل‌های دیگر تفاوت دارند. مشخص‌ترین تفاوت آنها با قفل‌های دیگر نداشتن کلید است. وولف در خصوص قفل‌های رمزی می‌گوید: «با اهمیتی که برای اطمینان به قفل‌ها در ایران داده می‌شود و با تدابیری که در نوع قفل برای حصول این اطمینان می‌دهند، شگفت‌آور نیست که می‌بینیم ایران قفل‌رمزی حروفی می‌سازد.» (همان)

«کارکرد قفل رمز از طریق حلقه‌هایی است که روی آن تعبیه شده است. بر روی این حلقه‌ها حروف یا اعدادی نوشته شده که با ردیف کردن آنها موانعی که سر راه کمانه است، کنار می‌رود و کمانه از قفل خارج می‌شود. نوشته‌های روی قفل‌های رمز ایران، اغلب از



کلمات قصار حکیمانه است. گاهی نیز از حروف یا اعداد ابجد مدد گرفته شده است که از ترکیب آنها اسمای خداوند یا امامان حاصل می‌شود.

قفل‌های رمز را به دو دسته افقی و عمودی تقسیم می‌کنند. در قفل‌های افقی، حلقه‌های رمز به ترتیب افقی هستند. در قفل‌های رمز عمودی، حلقه‌های رمز به شکل عمودی روی هم سوار شده‌اند و عملکرد آنها شبیه رمز قفل‌های افقی است.» (تناولی، پیشین: ۱۴۲)

«یک نمونه پیشرفته از قفل رمز از قرن ۱۲ میلادی، به امضای شرف‌الدین اصفهانی در دست است که درون یک گاوصندوق کار گذاشته شده است. قدیمی‌ترین قفل‌آویز رمز در عهد

تیموری ساخته شده و تاریخ ۸۸۹ هجری روی آن حک شده است.» (همان) اشارات برخی از نوشته‌ها نشان‌دهنده آن است که قفل رمز از دیرباز مورد توجه ایرانیان بوده است. «در عجایب‌المخلوقات (نگارش ۶۸۰ هـ.ق) سخن از قفلی است که آن را کلید نبود و با نام شخص یا یکی از بروج باز می‌شد.» (القزوینی، ۱۳۶۱: ۳۷۴) مؤلف این کتاب همچنین اشاره به صندوقی دارد که از صورت زن و اشکال دیگری ساخته شده بود و به هنگام باز شدن، آوازی از آن برمی‌خاست. (همان: ۳۳۸)

امروزه انواع جدیدی از قفل‌های رمزدار را در بازار می‌توان یافت که از نظر ظاهر با قفل‌های قدیمی تفاوت دارند اما از نظر فناوری ساخت، شباهت‌هایی بین آنها به چشم می‌خورد. انواعی از قفل‌های رمزی را بر خزانه‌های نگهداری اشیای گرانبها، گاوصندوق‌های خانگی، چمدان‌های سفری، کیف‌های دستی و قفل‌های زنجیری برای بستن دوچرخه و موتورسیکلت می‌توان مشاهده کرد.

قفلسازی در چالستر

چالستر از دیرباز به عنوان یکی از مراکز قفلسازی در ایران مشهور بوده است. چالستر تا سال ۱۳۸۶ یک نقطه روستایی در فاصله ۷ کیلومتری باختری شهرکرد، مرکز استان چهارمحال و بختیاری بوده و امروزه با گسترش شهرکرد، در این شهر ادغام شده است. با توجه به موقعیت چالستر و مجاورت آن با شهرکرد، صنایع و هنرهای دستی گوناگونی در این منطقه رشد و گسترش یافته است که از آن جمله به قفلسازی، اسلحه‌سازی و ساخت ابزار و ادوات کشاورزی و قالبی می‌توان اشاره کرد. «چالستر از دیرباز مهم‌ترین مرکز قفلسازی در استان چهارمحال و بختیاری بوده است و در دهه ۱۳۳۰ بیش از ۳۰ نفر در چالستر به حرفه قفلسازی اشتغال داشته‌اند.» (استاد خواجه‌علی، مصاحبه، ۱۳۸۷)

در چالستر برای قفل‌سازی از ابزار و وسایلی به شرح زیر استفاده می‌کنند:

- **سمبه (میل آبنه)** - سمبه یکی از ابزارهای اصلی در قفل‌سازی است و برای ساخت بدنه قفل و در واقع پیچیدن لوله‌ای شکل بدنه قفل به کار می‌رود. ورق فلز را روی آن قرار می‌دهند که حالت «به علاوه» دارد، بعد یک ضلع را خم می‌کنند و کار روی قفل شروع می‌شود.
- **انواع سوهان** - برای صیقلی کردن سطح قفل و ایجاد طرح بر روی قفل کاربرد دارد. بر روی قفل طرح‌هایی ایجاد می‌کنند که در اصطلاح «بچه خیارک» نامیده می‌شود.
- **مته** - برای سوراخ کردن قسمت‌های مختلف قفل از جمله پایه و دسته مورد استفاده قرار می‌گیرد که با گذراندن میخی از درون پایه و دسته به آن حالت چرخنده می‌دهند. مته، هم به صورت برقی و هم به صورت دستی وجود دارد.
- **مته کمانک** - به مته دستی گفته می‌شود که کاری شبیه خراطی انجام می‌دهد و ابزاری بسیار قدیمی است. نخست، محل پایه را با قلم‌کاری چهارگوش سوراخ می‌کنند و سپس با یک مته کمانک محل را به اندازه دلخواه می‌سایند.
- **سندان** - سندان در زبان محلی، سندون نامیده می‌شود و وسیله‌ای است از جنس فولاد که فلز حرارت دیده را بر روی آن می‌گذارند و با کمک پتک به آن ضربه می‌زنند تا به شکل دلخواه درآید. در بین قفل‌سازها، سندان‌های قدیمی متعلق به استادان، از ارزش خاصی برخوردارند. برخی از این سندان‌ها در کنار دیواره خود قلم‌زنی شده‌اند و دارای امضا هستند.
- **گیره** - گیره یکی دیگر از ابزارهای قفل‌سازی است که از دو فک تشکیل شده و به کمک دسته‌ای باز و بسته می‌شود. گیره برای ثابت نگهداشتن قطعه‌ای از قفل که استادکار در حال انجام کار بر روی آن است، به کار می‌رود. گیره‌ها اغلب دست‌ساز هستند و به صورت شعاعی باز می‌شوند. به این صورت که از پین پایین که فک متحرک را نگه داشته است، حالت شعاعی پیدا می‌کنند. گیره‌های چدنی که امروزه ساخته می‌شوند، دوام چندانی ندارند و هنگام پتک خوردن می‌شکنند، بهترین گیره‌ها فولادی هستند. برای ساخت قفل‌های در ابعاد کوچک، به ساخت گیره

متناسب با ابعاد قفل نیاز است. بنابراین قفل سازان دارای گیره‌های متعدد در اندازه‌های گوناگون هستند.

• **گیره دست - گیره دست** را در زبان محلی «گیره دس» می‌گویند و از آن برای گرفتن و نگه‌داشتن قطعات کوچک قفل استفاده می‌کنند.

• **کوره زغال - فلز برای نورد** باید حرارتی معادل ۱۰۰۰ تا ۱۱۰۰ درجه بیند تا نرم شود. این حرارت را کوره ایجاد می‌کند. زغال را به عنوان سوخت درون کوره می‌گذارند و از طریق لوله‌ای از زیر کوره، با دم زدن حرارت ایجاد می‌کنند. فلز گرم شده را به کمک انبر روی سندان می‌گذارند تا شکل دهند.



سندان - کارگاه استاد خواجه علی - ۸۷/۷/۱۶ - (عکس از پژوهشگر)

گیره ی دست ساز سنتی - چالشگر - کارگاه استاد خواجه علی - مآخذ کتاب ماه هنر ۱۱۹

• **انبر - انواع انبرهای آهنگری** شامل قلم‌گیر، نازک‌گیر و قطورگیر از ابزارهای قفل‌سازی هستند. انبر برای نگه‌داشتن آهن داغ شده و ضربه زدن به آن به کار می‌رود و از این رو دسته‌اش باید پلاستیکی (عایق حرارتی) باشد.



- **چکش - ابزاری** برای فرم دادن به آهن و فولاد و سایر فلزات است.
- **انبردست - ابزاری** است که برای نگاه‌داشتن آهن داغ‌شده و ضربه زدن به آن به کار می‌رود. بنابراین، دسته‌اش باید عایق حرارتی باشد.
- **پایه وادار - ابزاری** است که حالت سنبه دارد ولی گرد نیست و سطح مقطع آن مستطیل است. پایه‌های قفل را بر آن ناودانی می‌کنند و متناسب با ساخت پایه قفل، در اندازه‌های مختلف وجود دارد.

- **اسکنه** - اسکنه هم عمل تراش را انجام می‌دهد و هم برش‌های مختلفی ایجاد می‌کند. اسکنه نوعی قلم است که با ضربه چکش، وسط کار ایجاد برش یا تراش می‌کند.
- **توپه** - ابزاری برای ساخت دهانه قفل است. نمونه تیغه فرز است. در قفل باید نشیمن‌گاهی داشته باشد تا جا بیفتد. توپه می‌چرخد و پله ایجاد می‌کند تا در قفل زیاد پایین نرود و همان‌جایی که باید قرار گیرد.
- **حدیده** - وسیله‌ای برای ساخت پیچ‌های کوچک است که برای قسمت‌های داخل قفل مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- **قلاویز** - برای ساخت پیچ‌های بزرگ استفاده می‌شود.

مراحل ساخت قفل در چالستر

قفل ساخته شده در چالستر، متناسب با ابعاد و شکل ظاهری، شامل انواعی به نام‌های قفل قلوهای، قفل زیره‌دار و قفل چندکلید است. قفل‌ها را از مس، آهن، برنز، برنج و فولاد می‌سازند که البته فولاد رواج بیشتری دارد. تعداد قطعات قفل با توجه به مدل قفل فرق می‌کند اما به طور معمول، هر قفل شامل ۱۳ قطعه است که همه آنها دست‌ساز هستند. اجزای تشکیل‌دهنده کلید نیز ۴ قطعه را شامل می‌شود.

برای ساختن قفل، فلز اولیه را سه برابر وزن قفل ساخته شده انتخاب می‌کنند. ابتدا، ورق فلزی را به شکل چلیپا می‌برند و سپس آن را دور یک مفتول فلزی با مقطع دایره می‌پیچند و با گذاشتن بر روی سندان و چکش زدن، به شکل استوانه درمی‌آورند. آنگاه ورقه‌ای دایره‌شکل به نام طبلک را برابر با قطر داخلی دهانه بدنه در درون بدنه قفل قرار می‌دهند. در مرحله بعد، درپوشی در قسمت انتهایی استوانه (قفل) می‌گذارند و سپس، دو پایه قفل را که هم‌شکل و

هم‌اندازه، به شکل مربع و به اندازه یک سوّم ارتفاع کل قفل ساخته می‌شود، نصب می‌کنند. برای جوش دادن قسمت‌های مختلف قفل از نوارهای بسیار باریک فلز برنج استفاده می‌کنند، سپس قفل را در آب می‌اندازند و کمی پودر جوش به آن اضافه می‌کنند (در اصطلاح تنه کار گفته می‌شود) تا روی برنج‌ها پوشیده شود. سپس قفل را از آب بیرون می‌آورند و تمام قطعات را با سیم به هم متصل می‌کنند. آنگاه قفل را در کوره‌ای با دمای مناسب می‌گذارند تا برنج ذوب شود و دور تا دور بدنه و دسته را بپوشانند. جوش دادن قسمت انتهایی قفل و طبلک و پایه در مرحله بعد انجام می‌شود. قفل را به آرامی از کوره بیرون می‌آورند و سوهان می‌زنند.

برای ساخت دسته قفل از همان جنس قفل از میلگرد با ورقه‌های ۵ یا ۶ یا ۸ میلی‌متری به شکل نعل اسب استفاده می‌شود. سپس میخی را از درون سوراخ تعبیه شده در دسته عبور می‌دهند به طوری که از سوراخ پایه هم عبور کند و به این ترتیب، یک محور چرخیده به وجود آورد. دسته آماده شده در این مرحله سوهان‌کاری می‌شود و نقش دلخواه را بر روی آن حک می‌کنند. مرحله بعد، ساختن پیچ و زبانه است که مهم‌ترین مرحله ساخت است و تمایز قفل‌های چالستری را از قفل‌های دیگر مشخص می‌کند. چون این مرحله به طور کامل با دست انجام می‌شود، هیچ نوع کلیدی نمی‌تواند قفل دیگری به جز قفل خودش را باز کند.^۱ سپس درپوش روی قفل که از دو تکه تشکیل شده، ساخته و نصب می‌شود. در صورت تمایل، قفل‌ساز متناسب با سلیقه خود، نقوشی را بر روی بدنه قفل، حک و سطح آن را سوهان‌کاری می‌کند. در مرحله بعد نیز کلید ساخته می‌شود.

۱. پیچ با سوهان‌کاری درست می‌شود.

ویژگی قفل‌های چالستر از نظر ساخت

قفل‌های چالستری در زمره قفل‌های لوله‌ای به شمار می‌روند اما ویژگی خاص خود را دارند. بدنه قفل‌های چالستری از لوله‌های فولادی تشکیل شده است. برخی از آنها از لوله تفنگ و برخی از لوله‌های صنعتی ساخته می‌شوند. در ساخت این قفل‌ها ظرافت و دقت عمل زیادی به کار رفته است. بدنه آنها به سه قسمت تقسیم می‌شود. قسمت وسط، با شیارهای راه‌راهی تزئین یافته و کمانه بر روی این قسمت کار گذاشته شده؛ دو طرف آنها هم به طور کامل صیقلی و شیب‌دار شده است. در برخی از قفل‌های چالستر، در زیر قفل، در امتداد قسمت شیاردار، تاج زیبایی کار گذاشته شده است.

قفل‌های دست‌ساز چالستر به دلیل ابعاد مختلف، طول کلید، گام پیچ‌های کلید، تعداد دورهای مختلف پیچ در پیرامون زبانه، قطر دهانه کلید، ضخامت زبانه و نوع چرخش به راست یا چپ، مشابه ندارند و هر قفل تنها با کلید خود باز می‌شود.

نکته دیگر اینکه قفل چالستر از لحاظ مصرف مواد اولیه بسیار کم‌هزینه است و در واقع با برخی ضایعات مانند ورق یا شمش فلزی یا قطعات ریز فلزات ساخته می‌شود. مجموع ویژگی‌های قفل چالستر آن را از سایر قفل‌های لوله‌ای متمایز می‌کند؛ قفل‌های لوله‌ای از رایج‌ترین قفل‌های موجود هستند اما بین همین قفل‌ها هم تفاوت‌هایی دیده می‌شود. مقایسه قفل لوله‌ای چالستر با قفل‌های لوله‌ای همدان، اردبیل و نجف‌آباد نشان می‌دهد که این قفل از نظر ویژگی‌های هنری، از سایر قفل‌های لوله‌ای متمایز است و جنبه‌های هنری و ظرافت در آن بیشتر رعایت شده است.



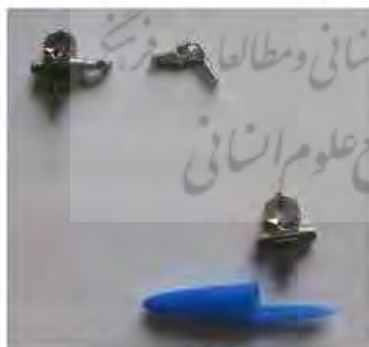
قفل منقوش به آرایه های اسلیمی و ختایی از جنس طلا، چالشر، مآخذ کتاب ماه هنر ۱۱۹



نمونه بی از قفل چالشر - مجموعه استاد نیکزاد - ۸۷/۱۵ -
عکس از پژوهشگر



نمونه بی از قفل چالشر -
مجموعه استاد نیکزاد - ۸۷/۱۵ -
عکس از پژوهشگر



نمونه بی از قفل چالشر -
مجموعه بی استاد نیکزاد - ۸۷/۱۵ -
عکس از پژوهشگر

نمادها و نشانه‌ها در قفل و کلید چالشر

قفل‌های چالشر در ابتدا، همه یک‌شکل به نظر می‌رسند چنان‌که تصور می‌شود تمایز چندانی بین آنها وجود ندارد. ولی با دقت بیشتر و توجه به قسمت‌های مختلف قفل پیش از نصب بر روی یکدیگر، می‌توان نمادها و نشانه‌هایی را بر روی آنها مشاهده کرد. قسمت دسته قفل حالت نعلی‌شکل دارد. این طراحی، هم سهولت در استفاده را ممکن می‌سازد و هم نشان‌دهنده توجه به ابزارهای دم‌دستی قفل‌سازان است که به طور معمول، هم با نعل اسب برخورد دارند و هم نمادی از وجود کشاورزی و دامپروری در منطقه‌اند. البته از نظر برخی قفل‌سازان، دسته قفل شکل تاج دارد؛ با توجه به اینکه تاج در دوره قاجاریه یا پیش از آن، حالت نعلی‌شکل دارد، این تشابه دور از ذهن نیست.

قسمت پایین دسته یا درواقع بدنه اصلی قفل، حالت کتف‌های یک پهلوان را دارد. در مجموع، به انضمام دسته قفل، شکل نیم‌تنه بالا، شانه‌ها و صورت پهلوانی را می‌توان در نظر گرفت. پایه‌های قفل هم‌شکل و هم‌اندازه ساخته می‌شوند و اندازه آنها را یک به سه ارتفاع کل قفل در نظر می‌گیرند تا هماهنگی و تناسب بین پایه و بدنه برقرار شود.

پایه‌های قفل که درواقع دسته قفل بر روی آنها سوار می‌شود، نشئت گرفته از اندیشه و تخیلات استاد هنرمند و سرستون‌های تخت جمشید هستند و به صورت نمادی از سر دو شیر مخالف هم یا دو اسب بالدار به نظر می‌رسند. در قسمت بدنه قفل، شیارهای روی بدنه نیز مشابه ستون‌های تخت جمشید هستند که با سوهان بر سطح قفل ایجاد می‌شوند.

در قسمت زیرین قفل هم که بیشتر مربوط به قفل‌های زیره‌دار است، نمادهای زندگی و حیات دیده می‌شود، مانند دو پرنده که به هم پشت کرده‌اند. خوشه انگور و دو درخت سرو، نماد زندگی هستند و به حالت بته‌جقه‌ای در مقابل هم قرار گرفته‌اند. در بعضی از قفل‌ها هم طرح‌ها و نشانه‌هایی متناسب با سلیقه و ابتکار قفل‌ساز یا سفارش‌دهنده مشاهده می‌شود که ریشه در باورها و اعتقادات دارد.

جایگاه قفل و کلید در ادبیات

شعر فارسی علاوه بر آنکه نمایانگر اندیشه‌ها و احساسات شاعران است، تجلی‌گاه افکار، اعتقادات، آداب و رسوم و فرهنگ حاکم بر جامعه نیز هست. از این رو، بررسی عناصر فرهنگ عامه در شعر شاعران از دو دیدگاه قابل توجه و حایز اهمیت است؛ استخراج ویژگی‌های فرهنگی این عناصر از خلال شعر شاعران و نقد و بررسی شیوه بهره‌گیری شاعران از این عناصر در هنرپردازی‌های شاعرانه خویش.

از جمله این عناصر قابل بررسی، واژگان قفل و کلید است. در متون شعر فارسی، ابیات و شواهد بسیاری می‌توان یافت که یا به طور مستقیم به این عناصر فرهنگی و باورهای مرتبط با آن اشاره کرده‌اند، یا از این

عناصر و باورها برای تصویرسازی‌ها و مضمون‌پردازی‌های شاعرانه خویش بهره برده‌اند. به نظر می‌رسد ابیاتی که در آنها به موضوع قفل و کلید اشاره شده است، قابل تقسیم به هشت گروه اصلی هستند:

ابیاتی که در آنها قفل و کلید در معنای اصلی به کار رفته، ابیاتی که قفل و کلید را به عنوان ابزار جادو مورد توجه قرار داده‌اند، ابیاتی که مضمون اصلی آنها بر معانی کنایی قفل و کلید استوار است، ترکیب‌های تشبیهی که با این ابزار ساخته شده، ابیاتی که شاعر آنها با استفاده از صنعت تلمیح، واژه‌های قفل یا کلید را به کار برده تا به داستان یا باوری مردمی اشاره کند،



ابیاتی که مضمون اصلی آنها چیز دیگری است ولی شاعر از این واژه‌ها در تصویرپردازی شاعرانه خود به شایستگی سود جسته است تا از این طریق بر عمق و حوزه گسترش شعر خود بیفزاید، ابیاتی که شامل معانی اصطلاحی قفل و کلید است و ابیاتی که در آنها به انواع قفل و کلید از نظر جنس و کاربرد اشاره شده است.

قفل در اعتقادات مذهبی مردم

برای بیشتر مردم مسلمان ایران، حضور در زیارتگاه‌ها، علاوه بر عرض احترام، به منظور برآورده شدن حاجت‌ها و نیازهایشان است. زایران آرزومند، خود را به ضریح اماکن متبرک می‌رسانند، دست خود را در پنجره‌های فولادی آن قفل می‌کنند و آن معصوم را واسطه ارتباط با خدا قرار می‌دهند. برخی از افرادی که به زیارت می‌آیند، برای ادای حاجت خود نذر می‌کنند. قفل نیز یکی از این نذرهاست. فرد با قفل زدن به پنجره ضریح، در کار خود از خدا یاری می‌خواهد و باز شدن قفل را موکول به حل مشکل خود می‌کند. نمونه‌های فراوانی از این قفل‌ها را در معروف‌ترین اماکن زیارتی ایران مانند مرقد حضرت رضا علیه السلام در مشهد و حضرت معصومه (سلام الله علیها) در قم می‌توان مشاهده کرد. گلاک در کتاب خود درباره این باور مردم ایران می‌گوید:

«مؤمنان گاه به نخل‌ها یا علم‌ها، تکه‌های پارچه یا قفل‌هایی به علامت نذر می‌بندند تا در کارهای خود از خدا یاری جویند و آرزوهایشان روا شود. قفل در نذر بندی به همان اندازه اهمیت داشته است که در ایمن داشتن خانه‌ها.» (گلاک، ۱۳۵۶: ۱۵۷)

تأثیر قفل بر باورهای مردم تنها به آنچه ذکر شد، محدود نمی‌شود، حتی نام قفل در اذهان مردم از جایگاه خاصی برخوردار است. چنان که دعایی نیز به نام شش قفل در میان مردم رواج دارد و روایت کرده‌اند از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر کس دعای شش قفل را نزد خود نگاه دارد یا بخواند، خداوند تعالی او را از تمام آفات حفظ و مشمول رحمت بی حساب خود می‌کند؛ دعای او همیشه مستجاب می‌شود و در دنیا همیشه با عزت و احترام زندگی می‌کند. در متن دعا آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

قفل اوّل

بسم الله السميع البصير الذي ليس كمثلته شيء برحمتك يا ارحم الراحمين و صلى الله على محمد و آله اجمعين.

قفل دوّم

بسم الله الخالق العليم الذي ليس كمثلته شيء و هو الفتاح العليم برحمتك يا ارحم الراحمين.

قفل سوّم

بسم الله السميع العليم الذي ليس كمثلته شيء و هو الغني القدير برحمتك يا ارحم الراحمين.

قفل چهارم

بسم الله العزيز الكريم الذي ليس كمثلته شيء و هو العزيز الكريم برحمتك يا ارحم الراحمين.

قفل پنجم

بسم الله السميع العليم الذي ليس كمثلته شيء و هو العليم الخبير برحمتك يا ارحم الراحمين.

قفل ششم

بسم الله العزيز الرحيم الذي ليس كمثلته شيء و هو العزيز فاعله خير حافظا و هو ارحم الراحمين.
(الهي قمشه‌ای، ۱۳۸۱)

جمع بندی

سرزمین ایران با برخورداری از اقوام گوناگون و تاریخی کهن، دارای فرهنگی غنی از باورهای عامیانه است که قدمت آن همپای سرگذشت آن است. در یک جمع‌بندی نهایی، در خصوص موضوع مورد بحث می‌توان خاطر نشان ساخت، که قفل و کلید، همواره اهمیّت ویژه‌ای در مقوله حفاظت و امنیّت داشته و در طول تاریخ مورد توجه صنعتگران بوده است. شواهد مستند حاکی از آن است که قدمت اوّلین قفل‌ها، به هزاره دوّم پیش از میلاد مسیح می‌رسد. قفل‌های آن زمان، با ابزار ساده و از جنس چوب ساخته می‌شدند. براساس شواهد

تاریخی، از جمله کشفیات باستان‌شناسی در منطقه چغازنبیل شوش، قدمت قفل‌سازی در ایران، به قرن سیزدهم پیش از میلاد می‌رسد. حتی با توجه به شواهد دیگر نظیر کشفیات سیلک کاشان، سابقه قفل‌سازی در ایران را حدود ۱۸۰۰ پیش از میلاد تخمین می‌زنند. بنابراین نمی‌توان سابقه قفل‌سازی در ایران را چندان متمایز از سایر نقاط جهان دانست. با بررسی سابقه تاریخی قفل در ایران می‌توان قفل‌های ایرانی را به دو گروه قفل ثابت و قفل متحرک (آهنی) تقسیم کرد. البته به مرور زمان، صنعت کهن قفل‌سازی به فراخور دانش و فناوری زمان خود متحول شده است و متناسب با کاربرد قفل، شاهد ساخت انواع آن در ایران هستیم.

قفل چالستر از زمره قفل‌های لوله‌ای به‌شمار می‌رود که به دلیل برخی ویژگی‌ها از قفل‌های لوله‌ای سایر مناطق ایران متمایز است. قفل لوله‌ای، از جمله قفل‌هایی است که به منظور حفاظت ساخته شده است. در ساخت قفل، روحیه هنرمند بر ماده سخت فایق آمده و جنبه کاربردی آن را تحت الشعاع بارقه‌های هنری سازندگان قرار داده است. از این رو، نمادها و نشانه‌هایی از مظاهر زندگی، نظیر گیاهان، پرندگان و آثار تاریخی را نیز در این قفل‌ها می‌توان مشاهده کرد. این قفل‌ها نه تنها به لحاظ زیبایی ظاهری از قفل‌های لوله‌ای سایر مناطق ایران متمایز هستند، بلکه از نظر فناوری ساخت نیز به‌صورتی طراحی شده‌اند که هر قفل تنها با کلید خود باز می‌شود. بررسی این صنعت هنری می‌تواند افق جدیدی را در حوزه‌های مختلف فرهنگی در برابر دیدگان مخاطبان قرار دهد و ایده‌های مختلفی را در حوزه‌های متنوع برنامه‌سازی به اذهان خلاق متبادر کند.

بدیهی است پیشرفت‌های مختلف هر جامعه، به‌ناچار، تغییر و تحولات مختلفی را در فرهنگ و رفتار مردم سبب می‌شود که این رفتارها و اعتقادات نیز در حوزه گسترش سنت‌ها و آداب گذشتگان قرار دارد و همانند هر مقوله سنتی دیگر، در معرض تنگنا قرار می‌گیرد. سنت قفل و قفل‌سازی نیز در طول زمان دچار تغییر و تحول شده و اغلب به دلیل تأثیر این تغییرات جایگاه واقعی خود را از دست داده است.

منابع

الف) کتاب

۱. احسانی، محمدتقی (۱۳۸۶) هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران، چ ۳، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. تناولی، پرویز (۱۳۸۶) قفل‌های ایران، تهران: نشر بن گاه.
۳. القزوینی، زکریا محمدبن محمودالمکمونی (۱۳۶۱) عجایب‌المخلوقات، تصحیح نصرالله صبوحي، بی جا.
۴. الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۸۱) دعای گنج‌العرش و شش‌قفل، تهران: نشرحفظی.
۵. گلاک، جی (۱۳۵۶) سیری در صنایع دستی ایران، ترجمه علاء فیروز، تهران: انتشارات بانک ملی ایران.
۶. وولف، هانس ای (۱۳۷۲) صنایع دستی کهن ایران، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

ب) مقاله

۱. ابراهیمی ناغانی، حسین (۱۳۷۸) «قفل چالستر؛ شیوه ساخت؛ زیبایی و آسیب‌شناسی»، کتاب ماه هنر، ش تیر ماه.
۲. کیان، مریم (۲۰۰۵) «قفل در فرهنگ ایرانیان»، ماهنامه ایرانا، س ۱، ش ۳.

ج) مصاحبه

استاد خواجه‌علی، چالستر، کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۸۷